

رشد ویرانگر

بنیاد تحول اجتماعی: داده‌های آماری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) نشان می‌دهد که جمعیت شهرنشینی در ایران از میانگین جمعیت شهرنشینی در قاره آسیا 25 درصد بیشتر است. بر اساس آمار سال 2018 نزدیک به 75 درصد مردم ایران در شهرها سکونت دارند، این در حالی است که میانگین جمعیت شهرنشینی در قاره آسیا 50 درصد است.

آمار مرکز آمار نشان می‌دهد که تعداد شهرهای کشور از 1335 تا 1395 حدود 6.5 درصد رشد داشته است، که در همین مدت هم جمعیت شهرنشینی در کشور بیش از 10 برابر رشد کرده است.

افزایش رشد جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهر سبب شده که جمعیت شهرهای میلیونی بر اساس سرشماری در سال 1395 به 8 شهر برسد، به این معنی که به ازای افزایش جمعیت شهر، دولت باید عمده منابع خود را به جای توسعه کشور و عدالت برای بهبود زیر ساخت شهرها هزینه کند.

کارشناسان حوزه جمعیت می‌گویند که گسترش بخش صنعت و خدمات در شهرها، انباشت سرمایه در شهرها و دامن زدن دولت به فقر روستاها در کشورها در حال توسعه، تخریب محیط زیست، تغییرات اقلیمی و سیاست‌هایی نظیر سد سازی از دلایل اصلی مهاجرت جمعیت از روستاها به شهرها است.

برآوردهای آماری نشان می‌دهد که اگر روند شهرنشینی با همین سرعت پیش برود تا سال 1430، بیش از 85 درصد مردم ایران در شهرها زندگی می‌کنند، این در حالی است که "آنتونیو گوترش" دبیرکل سازمان ملل متحد گفته بود که میانگین شهرنشینی تا 30 سال آینده از 55 درصد به 68 درصد خواهد رسید.

مسئله‌ی مهاجرت به صورت مهاجرت از روستا به شهر، از شهر به روستا از روستا به روستا یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ در جامعه اتفاق می‌افتد. شکل غالب مهاجرت در اکثر کشورهای جهان سوم از جمله ایران، حرکت یک‌سویه و عموماً بدون بازگشت روستاییان به شهرها است.

برخی از مدافعان افزایش شهرنشینی عنوان کردند که رشد شهرنشینی با درآمد ناخالص کشور رابطه مستقیم دارد و کشورهای که جمعیت شهرنشینی بالاتری دارند رشد اقتصادی و صنعتی و همچنین رفاه بیشتر را کسب می‌کنند این در حالی است که آمارهای بین المللی نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه رشد جمعیت شهرنشینی هیچ گونه رابطه‌ای با رشد اقتصادی ندارد و در برخی از مواقع وضعیت اقتصادی شهر هم بدتر شده است.

به عنوان مثال بمبئی، لاگوس و جاکارتا تقریباً به اندازه نیویورک، پاریس و لندن جمعیت دارند اما سطح درآمد آنها بسیار پایین است. داکا، کینشازا و مانیل ابرشهرهایی هستند که در کشورهای فوق العاده فقیر قرار دارند.

پیامدهای شهرنشینی

رشد توسعه شهرنشینی در ایران در چند بعد اثرات منفی داشته که از جمله می‌توان به بعد نهادی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی اشاره کرد.

در بعد نهادی و مدیریتی می‌توان تمرکز اداری سیاسی، عدم هماهنگی سیاست‌های کلی با برنامه‌های اجرایی، برنامه‌ریزی از بالا به پایین، شیوه تولید سرمایه‌داری را نام برد. همچنین سیاست‌های جمعیتی، خالی شدن روستاها، تمرکز جمعیت، بیکاری از ابعاد اجتماعی توسعه شهرنشینی عنوان شده است.

همچنین در بعد اقتصادی؛ اقتصاد تک‌محصولی، اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی، افزایش مادرشهر، کاهش کشاورزی و افزایش بخش خدمات از پیامدهای گسترش شهرنشینی است.

خشک‌سالی، انتقال منابع آبی و عدم برخورداری از منابع و سد سازی از پیامدهای مهم در بعد زیست محیطی است.

در حال حاضر سیاست‌ها مثل دادن کمک هزینه برای ساخت مسکن، کمک هزینه برای اشتغال روستایی و تعاونی و برخی دیگر از امکانات کم در زمینه بهداشت و درمان و تحصیل از سیاست‌های تشویقی برای عدم مهاجرت از

روستاها به شهرها در کشور وجود دارد که خود گاهی عامل افزایش مهاجرت شده اند. تقریباً تمامی دولت‌ها در این زمینه به صورت ناموفق در کشور عمل کردند و به دلیل توزیع ناعادلانه منابع و سرمایه بین شهر و روستا، باعث مهاجرت روستاییان و پیامدهای بعدی آن در کشور شدند.

نویسنده : مدیر سایت، تاریخ ارسال : سه شنبه 25 بهمن 1401 ساعت 9:29 قبل از ظهر